

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال هفدهم، شماره ۷۱، بهار ۱۳۸۷

«روایتی نو و منتشر نشده از فتح هرموز در دوره شاهعباس اول» (بررسی و ارزیابی منابع تاریخی نبرد دریایی ایران و پرتغال)

دکتر محمد باقر وثوقی^۱

چکیده

فتح هرموز در سال ۱۰۳۱ ق / ۱۶۲۲ م. به وسیله نیروهای مشترک نظامی ایران و کمپانی هند شرقی از جمله رویدادهای مهم و اثرگذار تاریخ خلیج فارس است. بخش عمده ای از منابع این رویداد مهم گزارش های رسمی و خاطرات مأموران پرتغالی و کارگزاران کمپانی هند شرقی است که دیدگاه سیاسی دولت های متبوع آنها را منعکس می کند. تاکنون فقط دو روایت ایرانی از این رویداد منتشر شده است. در این مقاله ضمن معرفی منابع اصلی جنگ دریایی ایران و پرتغال در دوره شاه عباس صفوی، برای نخستین بار روایتی ایرانی از این حادثه به نقل از نسخه خطی افضل التواریخ نوشته خوزانی روایت می شود.

واژه های کلیدی: هرموز، امامقلی خان، کمپانی هند شرقی،

پرتغال، افضل التواریخ خوزانی

«فتح هرموز» در سال ۱۰۳۱ ق/ ۱۶۲۲ م از جمله رویدادهای مهم و تأثیرگذار دوره صفویان محسوب می‌شود که از آن با نام های «تندباد مصیبت بار برای پرتغالی‌ها در شرق» (Miles, 1966: 188)، «آغاز دوره انقلاب اقتصادی آسیا در قرن هفدهم میلادی» (Steensgaard, 1973: 412)، «تلاش آگاهانه شاه عباس اول برای کسب درآمد بیشتر از تجارت دریایی و کاهش وابستگی به اقتصاد کشاورزی و در نتیجه کاهش قدرت قزلباش‌ها»^۱ (Subrahmanyam, 1993: 149) و «آغاز دوره تجدید قدرت و حاکمیت ایران در خلیج فارس»^۲ (Floor, 2006: 235) یاد شده است. با همه اهمیتی که این حادثه در تحولات سیاسی و اقتصادی ایران عصر صفویان داشته و تحقیقات و مطالعات بسیاری که درباره کیفیت این رویداد انجام شده است،^۳ این پژوهش‌ها پاسخگوی برخی

۱. سونجای سوبراهمانیام در کتاب خود تحت عنوان *امپراطوری پرتغال در آسیا فتح هرموز را طرح و نقشه شاه عباس اول برای کاهش قدرت قزلباشان و اتکای بیشتر به درآمدهای تجارت دریایی دانسته و این حادثه را در چهارچوب این سیاست‌ها بررسی کرده است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:*

Subrahmanyam, 1993, Sanjay, *The portugrese Empire in Asia, 1500- 1700*, Longman, Newyork, pp. 148- 150.

۲. ویلم فلور در کتاب خود تحت عنوان *خلیج فارس- تاریخ اقتصادی و سیاسی پنج بندر ۱۷۰۰- ۱۵۰۰* ضمن نقد نظر سوبراهمانیام، فتح هرموز را آغاز دوره تجدید حاکمیت ایران در خلیج فارس خوانده است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

Floor, Willem, *The Persian Gulf (A political and Economic History of five Port Cities)*, Mage, USA, 2006, pp. 233- 235.

۳. برای نمونه بنگرید به مقالات و تحقیقات زیر: اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۲۶، «قسمتی از ماجرای خلیج فارس»، مجله یادگار، شماره ۴، سال چهارم؛ (۱۳۲۶)؛ همچنین همو، ۱۳۲۸، *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸؛ همچنین، فلسفی، نصرالله، ۱۳۴۲، *سیاست خارجی ایران در عصر صفویه*، تهران، سازمان کتاب‌های جیبی، صص ۱۴۶ تا ۱۵۳؛ همچنین قایم مقامی، جهانگیر، ۱۳۶۹، «مسئله هرموز در روابط ایران و پرتغال»، مجموعه مقالات نخستین همایش خلیج فارس، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۴۵۱ تا ۶۳۲ و برای آگاهی از تحقیقات خارجی بنگرید به:

- Aubin, Jean. (1973) *Le royaume d'Ormuz au debut XVI siecle, Mare Luso- Indicum*, pp. 217- 370.

- Boxer, C.R. (1935), *Anglo- Portugurse rivalry in the Persian Gulf*, in E. prestage ed. *Chapters in Anglo- Portuguese Relations*, Watford, pp. 46- 129.

- Matthee, Rudi, (1999), *The Politics of trade in safavid Iran*, Cambridge.

- Miles, S.B, (1969), *The Countries and Tribes of the Persian Gulf*, London, 1969. pp. 185- 189.

- Serjeant. R.B, (1963), *The Portuguese off the southern Arabian coast*, Oxford.

- Steensgaard, Niles, Carraks, (1973), *Caravans and Companies*, Copenhagen.

بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد

پرسش‌های اساسی درباره این حادثه مهم نیست. به عبارت دیگر مطالعات و تحقیقات مرتبط با نبرد دریایی ایران و پرتغال در خلیج فارس تاکنون نتایج بایسته و قانع‌کننده‌ای نداشته است و بخش عمده‌ای از آنها با اتکای بیش از حد به منابع پرتغالی و انگلیسی، تصویری یک جانبه و نه چندان روشن از چگونگی این تحولات ارائه کرده‌اند. درباره «فتح هرموز» چند پرسش اصلی به چشم می‌خورد که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- انگیزه‌ها و عوامل اصلی اتحاد نظامی ایران و انگلیس^۱ چه بود؟
- ۲- میزان مشارکت و اثرگذاری نیروهای انگلیسی در جنگ علیه پرتغالی‌ها چه اندازه بوده است؟
- ۳- میزان مشارکت و اثرگذاری نیروهای نظامی ایران در فتح هرموز چه اندازه بوده است؟

- Subrahmanyam, sanjay. 1993, The Portuguese Empire in Asia, London.

- Wilson, Arnoldt. , 1959, The Persian Gulf. London.

Loriemer, J. G, 1915, Gazetteer of The Persian Gulf, Calcutta.

Garcia, Jose Manuel, 2002, The Persian Gulf in th 16 th- 17 th Centuies, Tehran, Center of Documents and Diplomatic History.

- الصیرفی، نوال حمزه، ۱۹۸۳، النفوذ البرتغالی فی الخلیج القرن السادس عشر، الرياض، مطبوعات دارالملک عبدالعزیز.
- المقاد، صلاح، ۱۹۵۲، الاستعمار فی الخلیج الفارسی، مکتبه الانجلو المصریه، القاہرہ.
- حنظل، فالج، ۱۹۹۷، العرب والبرتغال فی التاريخ، ابوظبی، منشورات المجمع الثقافی.
- اباحسین ، علی، ۱۹۹۸، «الجهاد العربی الاسلامی ضدالقراه البرتغالیین»، مجله الوثیقه، البحرین، مرکز الوثائق التاريخیه، ع ۳۳.
- العیدروس، محمد حسن، ۱۹۸۴، «عوامل سقوط الحکم البرتغالی فی الخلیج، مجله الوثیقه، البحرین، مرکز الوثائق التاريخیه، العدد ۴.
- عقیل، مصطفی، ۱۹۹۴، التنافس الدولی فی الخلیج، الدوحه، قطر، موسسه المعهد للصحافه و الطباعه و النشر.

۱. در واقع کاربرد عبارت «کمپانی هند شرقی انگلیس» در این مقطع صحیح‌تر به نظر می‌رسد اما برای رعایت اختصار، از این پس عبارت انگلستان و انگلیس به جای «کمپانی هند شرقی انگلیس» استفاده خواهد شد.
۲. لوریمر در تالیف خود می‌نویسد: «پیروزی قطعی ایران در هرموز نیاز به یک نیروی دریایی داشت و چون شاه خود چنین نیرویی نداشت به ناچار به انگلستان پناه برد». ر ک: Loriemer, Vol. 1. Historical. P.24

در بسیاری از مطالعات و تحقیقات منتشر شده درباره این موضوع، از پیشگامی ایران در پیشنهاد اتحاد نظامی با انگلستان در این نبرد یاد شده است؛ (Loiimer, 1915: v1, history: 28-34؛ Wilson, 1954: 143-144؛ فلسفی، ۱۳۴۲: ۱۳۴؛ قایم مقامی، ۱۳۶۹: ۵۹۳). در همه این نوشته‌ها نقش کلیدی و اصلی نیروی دریایی انگلستان در فتح هرموز برجسته شده، به گونه‌ای که این تصور پیش آمده است که نیروهای ایرانی نمی‌توانسته‌اند بدون حمایت انگلیسی‌ها در این نبرد به پیروزی برسند.

اما برآستی این تحلیل‌ها و برداشت‌ها تا چه حد متکی و مبتنی بر منابع اصیل تاریخی است و تا چه اندازه قابل اعتماد است؟

نگاهی گذرا به این گونه تحقیقات و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که منشا اصلی این تحلیل‌ها مجموعه گزارش‌ها و تحقیقاتی است که مورخان، محققان و کارگزاران انگلیسی کمپانی هند شرقی منتشر کرده‌اند. بیشتر این نوع تحلیل‌ها در نوشته‌های لوریمر، فوستر، ویلسون و مایلز به چشم می‌خورد که همگی از کارگزاران انگلیسی کمپانی هند شرقی بودند و گرایش‌های شدید سیاسی داشتند. این گروه از مورخان، آثار خود را بر اساس سفارش و دستورالعمل رؤسای کمپانی هند شرقی می‌نوشتند و در آن بشدت مقید به حفظ منافع سیاسی بریتانیا بودند. از این رو، اصولی همچون «حفظ منافع انگلستان» و «با اهمیت نشان دادن حضور نیروهای انگلیسی در منطقه»، «پنهان کردن مطامع کوتاه مدت و بلند مدت سیاسی انگلستان در خلیج فارس» و «تشدید اختلافات منطقه‌ای» از جمله موازینی است که در این گونه تحقیقات بخوبی پیروی شده است. رعایت این اصول در نوشته‌های این دسته از مورخان انگلیسی از چنان اهمیتی برخوردار بوده است که آن را می‌توان مهم‌ترین ویژگی «تاریخ‌نگاری مورخان کمپانی هند شرقی» شمرد و به عنوان یک «مکتب تاریخ‌نگاری ویژه» یاد کرد. سایه سنگین تحلیل‌های این محققان بر نوشته‌های پژوهشگران ایرانی و

۱. دکتر شیخ سلطان بن محمد القاسمی در اثر خود تحت عنوان افسانه دزدی دریایی عرب در خلیج فارس نقدی تحلیلی و قابل تأمل بر اسناد و مدارک آرشیوی کمپانی هند شرقی ارائه کرده و در این بررسی در باورهای اشاعه یافته توسط مورخان کمپانی هند شرقی به شدت تردید کرده است. این اثر از معدود آثار انتقادی در زمینه مطالعات خلیج فارس محسوب می‌شود. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

- Alqasimi, Sultan Bin Mohammad, 1988, The Myth of Arab Piracy in The Gulf, Routledge.

عرب حوزه خلیج فارس بخوبی دیده می شود. تنها معدودی از محققان و مورخان معاصر توانسته‌اند از چهارچوب‌های مشخص تحلیلی «مکتب تاریخ‌نگاری کمپانی هند شرقی» پرهیز نمایند که از آن میان تحقیقات جهانگیر قائم مقامی (قائم مقامی، پیشین) و سلطان بن محمد القاسمی^۱ (Alqasimi, 1988) شاخص‌ترند.^۲

درباره «فتح هرموز» و چگونگی شکل‌گیری آن نیز تأثیر نوشته‌های مورخان کمپانی هند شرقی به خوبی دیده می شود و بیشتر تحقیقات و پژوهش‌ها بر تحلیل‌های اولیه لوریمر، مایلز و ویلسون استوار شده است. مهم‌ترین ویژگی این نوشته‌ها اتکا و استناد بیش از حد معمول به اسناد و مدارک انگلیسی و توجه ناکافی به روایات پرتغالی و ایرانی از این حادثه است. از این رو آنچه به عنوان رویدادهای تاریخی مرتبط با خلیج فارس در این گونه تحقیقات منتشر شده است، در واقع انعکاس تمایلات و گرایش‌های سیاسی کمپانی هند شرقی و کارگزاران آن است که می‌توان نسبت به صحت و سقم آن تردیدهایی جدی رواداشت.

مثلاً می‌توان به کاربرد گسترده واژه «دزدان دریایی» (Piracy) و «ساحل دزدان دریایی» (The Piracy Cost) برای گروهی از ساکنان بومی خلیج فارس و بخشی از سواحل جنوبی آن (منطبق بر کشور امارات متحده عربی کنونی) در این گونه تحقیقات اشاره کرد تا آنجا که این واژه‌ها به منزله مفاهیم پذیرفته شده به طور گسترده در تحقیقات بعدی به کار رفته‌اند.^۳ (هاولی،

۱. مرحوم جهانگیر قائم مقامی به دلیل آشنایی با اسناد و مدارک پرتغالی به خوبی از تأثیر تاریخ‌نگاران کمپانی هند شرقی به دور مانده است. تحقیقات او درباره روابط ایران و پرتغال و مسأله هرموز از جمله پژوهش‌های قابل تأمل به شمار می‌رود و در حوزه تحقیقات خلیج فارس اثری ماندگار محسوب می‌شود.

۲. دکتر شیخ سلطان بن محمد القاسمی در اثر خود تحت عنوان افسانه دزدی دریایی عرب در خلیج فارس با بررسی اسناد و مدارک اصلی کمپانی هند شرقی ثابت کرده است که کاربرد اصطلاح «دزدی دریایی» و «ساحل دزدان دریایی» به دستور مقامات ارشد کمپانی و برای زمینه سازی برای از بین بردن قدرت دریایی محلی ساکنان خلیج فارس صورت پذیرفته است.

۳. کاربرد این واژه - دسته‌بندی دیدگاهی منابع - مبتنی بر این برداشت ذهنی است که تحقیقات حوزه خلیج فارس را می‌توان به طور کلی به دو دسته «نگاه از بیرون» و «نگاه از درون» تقسیم کرد. محققان دسته اول - نگاه از بیرون - از اسناد و مدارک غیر بومی - بیرونی - استفاده می‌کردند و توجهی به اسناد و مدارک و نوشته‌های تاریخی بومی - درونی - نداشتند. به عبارت دیگر، تفاوت اصلی در این دو دیدگاه به میزان ارزش‌گذاری و قابل شدن اصالت برای منابع اصلی است که در تحقیقات نوع «نگاه از

Loierner, Saldanha, 1986: v2, 118-139؛ ۱۳۳-۱۳۵؛ ۱۳۲۸؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۱-۱۸۱؛ ۱۳۷۷: 232-238, History, v1, 1915) در حالی که بر اساس اسناد موجود این اصطلاحات و مفاهیم را کارگزاران انگلیسی در خلیج فارس و با هدف ایجاد زمینه مناسب برای حمله نظامی به تاسیسات و کشتی‌های بومیان شایع کردند و حملات گسترده انگلیسی‌ها در سال ۱۸۲۰ در خلیج فارس در همین راستا انجام پذیرفت. (Saldanha, 1986: v2, 118-13)؛ Alqasimi, 1988: 1-20؛ و ثوقی، ۱۳۸۴: ۳۹۹-۴۱۳)

در تحقیقات و مطالعات مربوط به «فتح هرموز» در دوره شاه‌عباس اول نیز چنین روندی به خوبی مشاهده می‌شود. مورخان کمپانی هند شرقی با هدف بزرگ‌نمایی نقش نیروهای انگلیسی در این نبرد و همچنین خدشه‌دار کردن چهره رقیب خود یعنی پرتغالی‌ها، در تحلیل‌ها و برداشت‌های خود، یک جنبه قضاوت کرده‌اند و از این حادثه سیاسی به سود منافع انگلستان در خلیج فارس بهره برده‌اند. تبعیت گسترده محققان از منابع انگلیسی موجب شده است بسیاری از تحلیل‌های آنان به منزله مفاهیم و اصول پذیرفته شده تلقی و به «مشهورات تاریخی» تبدیل شود. این امر در حالی است که با نگاهی گذرا به منابع غیرانگلیسی در این رویدادها، به خوبی می‌توان چنین گرایش‌هایی را تشخیص داد و تصویری واقعی‌تر از حوادث ارائه کرد. مهم‌ترین ابزار مقابله با تأثیرات منفی مورخان انگلیسی به ویژه در حوزه مطالعات خلیج فارس، معرفی منابع اصلی غیرانگلیسی است.

در این مقاله می‌کوشیم ابتدا به اختصار به «دسته‌بندی دیدگاهی» اسناد و مدارک اصلی درباره «فتح هرموز» و کیفیت شکل‌گیری آن، پردازیم و پس از آن برای نخستین بار روایتی ایرانی از این رویداد ارائه دهیم تا پژوهشگران، امکان مقابله و مقایسه روایات گوناگون از این حادثه را در اختیار داشته باشند.

استاد، مدارک، گزارش‌ها و منابع مرتبط با «فتح هرموز» را به طور کلی می‌توان به سه دسته عمده روایات پرتغالی، انگلیسی و ایرانی تقسیم کرد که در اینجا به معرفی مختصر آنها می‌پردازیم و سپس اهمیتشان را در مطالعه موضوع حاضر نشان می‌دهیم.

۱) روایات پرتغالی

جزیی ترین اطلاعات مربوط به خلیج فارس در سده شانزدهم میلادی و بیشترین گزارش‌های رسمی و اداری بویژه درباره «هرموز» و نواحی کرانه ای در آرشیوهای پرتغال و اسپانیا موجود است.^۱ متأسفانه بخش عمده این استاد و مدارک تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده است. جدای

۱. برای نمونه می‌توان از مراکز آرشیوی و اسناد منتشر شده با مشخصات زیر یاد کرد.

(آرشیو اول، اسناد شرقی پرتغال)

Arquivol: Arquivo Português Oriental.Nova Goa.Imprensa Nacionl. 1861(fasc.3.p. II):1865(fasc.p.1)

(آرشیو دوم، اسناد شرقی پرتغال)

Arquivo 2: Arquivo Português Oriental. Nova edição. Documentos Coordenados e anotados por A.B de Braganca Pereira. Bastorá, Tipografia Rangel. 1937 (tomo IV, Vol. I. P.I); 1937 (tomo IV, vol, II. P. I); 1939 (tomo I, Vol. III, p. II); 940 (tomo I. Vol. III. P. IV)

(بوتلیو، مأمور مالی پرتغال در هند)

Botelho: J. Mendes de Almeida- simão Botelho de Andrade, 6. Vedor da Fazenda da Índia (1504- 1565). Lisboa, Agência- Geral do Ultramar, 1969.

(نامه‌ها، جلد اول، نامه‌های دون مانوئل اول به فرمانداران، استانداران و نجیب‌زادگان)

Carta I: Eugénio do Canto- Carta de el- rei D. Manuel para o Juiz, vereadoress. Procurador, fidalgos, Cavaleiros, escudeiros, escudeiros, homens- bons e povo, dando parte da vinda da armada que foi à Indian. [Lisboa, 907]

(نامه‌ها، جلد دوم، نامه دون مانوئل به نجیب‌زادگان در خصوص اعلام تصرف هرمز)

Carta II: Eugénio do Canto- Carta de el- rei D. Manuel para o Juiz, vereadoress. Procurador, da vila de Elvas, dando parte da tomada de Ormuz. Coimbra, Imprensa da Universidade, 1908.

(نامه‌ها، جلد سوم، نامه‌های متعدد دون مانوئل ۱۵۱۹-۱۵۱۰)

Carta III: Eugénio do Canto- Cartas diversas de el- rei D. Manuel de 1510- 519.

Bulhão- pato. 7 volumes. Lisboa, Tipografia da Academia Real das Ciências. I, 1884; II, 1898; III. 1903; IV, 1910; V e VI, 1915; VII, 1935.

(نامه‌ها، نامه‌های آفونسو د آلبوکرک)

Comentários I: Comentarios de Afonso Dalboquerque, capitão geral e governador da Índia, cogelidos por seu filho Afonso Dalboquerque das proprias cartas que dille escreuia ao

از این اسناد و مدارک، یکی از نخستین و مهم‌ترین منابع پرتغالی فتح هرموز خاطرات «روی فریردو آندراد»^۱ فرمانده پرتغالی جزیره هرموز است که در سال ۱۹۳۰ به انگلیسی ترجمه و منتشر شد.^۲ این اثر حاوی جزئی‌ترین اطلاعات از نبرد دریایی ایران و پرتغال و در واقع گزارش‌های روزانه فرمانده پرتغالی از دوره چند ماهه اقامت در هرموز تا روزهای پایانی فتح آن توسط نیروهای ایرانی و مدتی پس از آن است. مهم‌ترین بخش این اثر، گزارش‌هایی از نحوه ساختن قلعه نظامی در قشم تا فتح هرموز است. (Boxer, 1930: 82-173) این گزارش در واقع روایت یک شاهد از جبهه پرتغالی‌ها است و نگرش و دیدگاه‌های رسمی آنان را بخوبی منعکس کرده است. روزشمار حوادث و توصیف جزئیات توانمندی نظامی پرتغالی‌ها و پرداختن به موقعیت جغرافیایی نبرد در خشکی و همچنین ذکر بسیاری از اسامی فرماندهان درگیر در جنگ، از مهم‌ترین ویژگی‌های این منبع تاریخی است. این اثر از معدود منابعی است که مطالب مفید و قابل استفاده‌ای را درباره تاریخ جنگ‌های دریایی ایران ارایه کرده است.

muyto poderoso Rey Dã Manuel o Primeyro deste nome, em cujo tempo governou a fndia. Vam reparridos em quarto parrtes segudo os tempos de deus trabalhos. Com Privilégio real. [Lisvao, Por João de Barreira, 1557]

1. Rui Freire de Andrada

۱. این اثر با مشخصات زیر به انگلیسی ترجمه شده است:

- Boxer, C. R. (1930), Commentaries of Ruy Freyre de Andrada, London.

فهرست مطالب مندرج در آن به شرح زیر است. برای آگاهی بیشتر، شماره صفحات ترجمه انگلیسی آن نیز افزوده شده است. انتخاب **روی فریردو آندراد** جهت ساخت قلعه در قشم و دفاع از تنگه هرموز در مقابل تهاجم انگلیسی‌ها و ایرانیان (ص ۶۷)؛ رسیدن وی به مسقط و هرموز و دماغه جاسک؛ حمله ناوگان پرتغال به کشتی‌های انگلیسی (ص ۸۹-۷۵) ساخت قلعه قشم؛ محاصره قلعه توسط ایرانیان؛ حمله پرتغال به گنگ؛ تصرف قلعه جلفار توسط پرتغالی‌ها (ص ۱۷-۹۰)؛ محاصره قشم توسط ایرانیان حمله پرتغال به بندر (کوهستک) و قلعه (سیرامون)؛ تهیه مقدمات حمله به بندر جاسک محل استقرار ناوگان انگلیسی؛ حمله پرتغال به قلعه (لافت)؛ کشته شدن دون فرانسسکو د سوزا؛ فرمانده هرموز (ص ۱۱۷-۵۰) محاصره قشم و هرموز توسط ناوگان انگلیسی؛ اشغال قشم و هرموز در سال ۱۶۲۲ توسط انگلیسی‌ها با کمک ایرانیان و غارت هرموز؛ حرکت پرتغالی‌ها به سوی مسقط؛ فرار روی فری د آندراد از جنگ اسارت انگلیسی‌ها و واگذاری مسئولیت فرماندهی کل تنگه هرموز و دریای سرخ به روی فریردو آندراد و رسیدن وی به مسقط؛ تصرف قلعه صحار توسط روی فریردو آندراد، برقراری گمرکات در شش قلعه؛ کمک پرتغالی‌ها به پاشای بصره؛ محاصره هرموز توسط فریردو آندراد؛ ایجاد گمرک در قلعه کنگ، استحکامات مسقط (ص ۲۶۲-۱۵۱).

یکی دیگر از شاهدان فتح هرموز، کشیشی پرتغالی به نام *نونو آلوارش بوتلیو*^۱ است که گزارش مشاهدات خود را به رشته تحریر درآورد.^۲ این اثر را نخستین بار باکسر در سال ۱۹۲۷ منتشر و در سال ۱۹۳۰ به انگلیسی ترجمه کرد. (Boxer, 1930: 231-250)

منبع مذکور گزارش روزانه نبرد دریایی کشتی‌های پرتغالی با نیروهای مشترک دریایی انگلیس و هلند در سال ۱۶۲۴ و مدتی پس از فتح هرموز است. *نونو آلوارش بوتلیو* که فرمانده نظامی ناوگان پرتغال بود به اتفاق روی *فریر آندراد* در صدد بازگشت مجدد به «هرموز» و باز پس‌گیری این جزیره مهم بوده‌اند. شرح نبردها - که تا دسامبر ۱۶۲۵ ادامه داشته است - در این گزارش آمده و استعجاب و توانمندی دریایی طرفینِ مخاصمه بخوبی شرح شده است.

دو گزارش مختصر نیز از شرح نبرد هرموز توسط *سیمائو دی ملو*^۳ و *مانوئل بورگنر سوزا*^۴ از فرماندهان نظامی پرتغالی در دست است که هر دو به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده و (Boxer, 1930: 220-228) حاوی شرح مختصری از وضعیت جزیره هرموز در دوران محاصره است. گزارش *سیمائو دی ملو*، فرمانده پرتغالی قلعه هرموز، شرح مختصری از نحوه محاصره قلعه شورش نیروهای پرتغالی علیه او و تسلیم شدن به نیروهای ایرانی است و نشان می‌دهد که این نبرد بیشتر، ویژگی‌های جنگ زمینی را داشته است. شواهد ارایه شده نشان می‌دهد که سربازان پیاده نظام ایرانی بیشترین تأثیر را در آن نبرد داشته‌اند. گزارش *بورگنر سوزا* بیانگر وضعیت عمومی

1. Nuno Alvares Botelho

۱. بن اثر نخستین بار در سال ۱۹۲۸ میلادی با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

Boxer, C. R, (1927), Nuno Alvares Botelho e a sua armada de alto bordo, -
Biblioteca nacional de Lisboa, Revista de Historia, Porto, XVI.

خلاصه محتوای گزارش درج شده در این گزارش به شرح زیر است:

سازماندهی نیروی دریایی عظیمی توسط دون فرانسیسکو داگاما نائب السلطنه هند برای مقابله با «دشمنان اروپایی که در محل چاه سورات جهت حمله به هرموز و کمک به ایرانیان برای گرفتن همان محلی که ما با کمک همان دشمنان تصرف کرده بودیم و اینکه **روی فریو آندراد**، فرمانده کل دریایی آن تنگه را به محاصره خود درآورده بود». سه نبرد بین نیروی دریایی پرتغال؛ انگلیس و هلند در نزدیکی هرموز؛ تشریح دقیق این نبردها. «این اولین بار بود که دشمنان انگلیسی و هلندی در مقابل ما قرار می‌گرفتند». حرکت ناوگان دریایی پرتغال برای انجام تعمیرات به سمت مسقط؛

3. Simao de Mello

4. Manuel Borges de Sousa

نیروهای پرتغالی محاصره شده در قلعه هرموز است و اطلاعات خوبی از وضعیت کشتی‌ها و نیروهای موجود در هرموز ارایه می‌کند و مکمل گزارش سیمائو دی ملو محسوب می‌شود. هر دو گزارش، وضعیت روانی و روحی پرتغالی‌ها را در روزهای پایانی نبرد بخوبی توصیف می‌کنند. از دیگر منابع پرتغالی این دوره می‌توان کتاب فاریا سوسا^۱ به نام آسیای پرتغال^۲ را نام برد که شرح مفصلی از وقایع حضور پرتغالی‌ها در شرق تا سال ۱۶۶۶ در بر دارد. این کتاب در سال ۱۶۶۶ در لیسبون چاپ و منتشر^۳ و در سال ۱۶۹۵ به انگلیسی ترجمه شد.^۴ شرح فتح هرموز در جلد سوم آن آمده است. (Sousa, 1695: v3. 362 - 385) فاریا سوسا از مورخان سنتی قرن شانزدهم میلادی و کتاب او شامل کلیه رویدادهای مستعمرات پرتغالی آسیا است. روایت او از نبرد دریایی ایران و پرتغال، دیدگاه‌های مورخان پرتغالی را در بر دارد و برخی جزئیاتی که ارایه می‌دهد در دیگر منابع به چشم نمی‌خورد و از این منظر قابل توجه است.

سفرنامه سیلوا فیگوروا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، حاوی مشاهدات او از وضعیت عمومی بندر گمبرون و قشم و هرموز در ایام آغاز نبرد دریایی ایران و پرتغال است. هر چند در ایام حضور فیگوروا در هرموز هنوز جنگ پایان نیافته بود، اطلاعات او از موقعیت عمومی نبرد قابل استفاده است.^۵

۲) روایات انگلیسی

از مجموع گزارش‌های کارگزاران کمپانی هند شرقی درباره فتح هرموز می‌توان از روایت مختصر ریچارد سوان^۶ نام برد که با عنوان گزارش نبرد جاسک چاپ شده و شرح بسیار کوتاهی از نبرد دریایی پرتغالی و انگلیسی پیش از فتح هرموز است.^۷ اما گزارش مفصل‌تری از ادوارد

1. Faria Sousa

2. The Portuguese Asia

3. Sousa, Manuel de Faria, 1666 Asia Portuguesa, 3 Toms, Lisboa, 1666

4. Sousa, Faria, The Portuguese Asia, 3 Vols. Tr. John stevenes, London, 1695

۵. این سفرنامه با مشخصات زیر به فارسی ترجمه شده است. سفرنامه فیگوروا، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳

6. Richard Swan

۱. برای آگاهی از این گزارش بنگرید به:

مونوکس^۱، کارگزار و فرمانده قوای کمکی انگلیسی در نبرد هرموز، در دست است که اطلاعات بسیار خوبی از جزئیات نبرد در جبهه ایرانی و مشاهدات وی از نبرد دریایی هرموز ارایه می دهد. او نماینده کمپانی هند شرقی در مذاکرات با امام‌قلی‌خان و یکی از امضاکنندگان قرارداد کوهستک و میناب است. گزارش او در سال ۱۹۳۰ منتشر شده^۲ و از معدود گزارش‌های تفصیلی از این رویداد و نشانگر تمایلات و گرایش‌های سیاسی کمپانی هند شرقی در خلیج فارس است. گزارش او با شرح مختصری از مأموریت استقرار در بندر جاسک و درگیری با پرتغالی‌ها آغاز می شود و به عقد قرارداد با امام‌قلی‌خان و حرکت کشتی‌های انگلیسی به سمت هرموز و قشم اشاره می کند. از نبرد قشم به شکل کوتاهی یاد می کند اما درباره هرموز جزئیات نسبتاً مفصلی ارایه شده است. در واقع گزارش مونوکس می تواند مکمل گزارش فرماندهان پرتغالی باشد. شرح او از نبرد هرموز نشان می دهد که این جنگ بیشتر نبرد زمینی بوده که در آن بیشترین تلاش‌ها برای پیروزی توسط سربازان ایرانی انجام پذیرفته است. در این گزارش به نکات مهمی درباره بی اعتمادی فرماندهان ایرانی به انگلیسی‌ها اشاره شده است که قابل توجهند.

نکته قابل تأمل در گزارش مونوکس این است که فتح قلعه پرتغالی‌ها در هرموز با رشادت و جانفشانی سربازان پیاده نظام ایرانی میسر شده است، به گونه‌ای که تصور می شود بدون حضور نیروهای انگلیسی نیز این امر ممکن بوده است.

پیش از پرداختن به معرفی روایات ایرانی، معرفی یکی دیگر از منابع اصلی تاریخ این دوره ضروری است که در تقسیم‌بندی موجود در این مقاله می توان از آن به عنوان «روایت غیرانگلیسی و غیرپرتغالی» یاد کرد. این منبع، *سفرنامه پیرو دلاواله*، سیاح ایتالیایی است که در این ایام به قصد عبور از خلیج فارس به سمت هندوستان به کرانه‌های جنوبی مسافرت کرده و حضور او با ایام نبرد دریایی ایران و پرتغال همزمان شده و ناگزیر مدتی نسبتاً طولانی در میناب و سپس لاراقامت

- Boxer, Commentaries ... و op. Cit. pp. 250- 252

1. Edward Monox

۲. برای آگاهی از این گزارش بنگرید به:

- Boxer, Commentaries ... و op. Cit. pp. 254. 310

گزیده است. اطلاعات مندرج در کتاب او، در حقیقت انعکاس اخبار و روایات جنگ در نواحی پس کرانه‌ای و بیانگر نگرش عمومی مردم ایران نسبت به این نبرد است. هر چند او شاهد اصلی این ماجرا نبوده است، شنیده‌هایش از جنگ و انعکاس نظرات مردم از ویژگی‌های بارز این منبع محسوب می‌شود.^۱

۳) روایات ایرانی

درباره «فتح هرموز» و چگونگی شکل‌گیری آن تا کنون سه روایت ایرانی معرفی و منتشر شده است. نخستین روایت با عنوان «جنگنامه کشم» گزارشی منظوم از فتح قشم توسط نیروی‌های ایرانی و انگلیسی است. این منظومه نخستین بار توسط یکی از مستشرقان ایتالیایی به نام «لویجی بونالی» در سال ۱۸۹۰ و برای بار دوم در ایران به سال ۱۳۸۴ خورشیدی همراه با مجموعه «جرون نامه» به چاپ رسیده است.^۲ اصل منظومه دوست و شصت و سه بیت در بحر متقارب سروده شده و روایتی یکدست و منسجم از جزئیات «فتح قشم» در سال ۱۰۳۱ هجری قمری همزمان با جنگهای دریایی ایران و پرتغال است. از محتوای این منظومه چنین بر می‌آید که شاعر خود از شاهدان این نبرد بوده و از وضعیت جغرافیایی و سیر حوادث فتح قشم آگاهی کامل داشته و به احتمال از اهالی بومی منطقه بوده است. (جنگنامه کشم، ۱۳۸۴: مقدمه سی و سه)

در این منظومه از مشارکت نیروهای انگلیسی در فتح قشم به اختصار یاد شده و بیش از این اطلاعی در این باره ارائه نشده است.^۳ (جنگنامه کشم، پیشین: ۱۷-۱۶)

«جنگنامه کشم» منعکس‌کننده دیدگاه‌های فرماندهان ایرانی این نبرد است و از جمله منابعی است که در بجهت جنگ ایران و پرتغال نوشته شده است.

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه محمود بهفروزی، تهران نشر قطره، ۱۳۸۰، ۲ جلدی.

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: جنگنامه کشم و جرون نامه، تصحیح و تحشیه محمدباقر وثوقی و عبدالرسول خیراندیش، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۴.

۳. در جنگنامه کشم در دو مورد از همراهی انگلیسی‌ها، انگریز- یاد شده است. سپاهی ولی با صلاح و تمیز / همه مرد مردانه از انگریز. بسی مال وزرداد برانگریز / که تا جان خود را به در برد نیز.

«جرون نامه» یا «داستان جرون» منظومه دیگری است که در آن شرح مبسوطی از عملیات نظامی ایران علیه پرتغالی‌ها ارایه شده است. این اثر سروده یکی از شاعران عصر صفوی به نام «قدری» است. تاریخ دقیق نگارش این منظومه مشخص نیست اما از محتوای آن بر می‌آید که سراینده در عرصه کارزار حضور نداشته و به احتمال، این رویدادها را از زبان یک شاهد به نظم درآورده است. با این همه مفصل‌ترین روایت ایرانی از جنگ دریایی ایران و پرتغال در این منظومه آمده است و جزئیات بسیاری از رویدادها بویژه در فتح هرموز را می‌توان در آن دید و از این رو در مطالعه این دوره از منابع اصلی شمرده می‌شود و همچون منظومه «جنگنامه کشم» انعکاس دهنده دیدگاه ایرانیان از حضور پرتغالی‌ها در خلیج فارس است.^۱

دیگر روایت ایرانی فتح هرموز که از آن می‌توان به عنوان «دیدگاه رسمی حکومت صفویان» از این حادثه یاد کرد، روایت «اسکندر بیگ ترکمان» در کتاب «عالم آرای عباسی» است. او از جمله «منشیان عظام» دربار شاه عباس اول بوده که گزارش دست اولی از کیفیت این رویداد تحت عناوین «لشکر فرستادن بر سر فرنگیه پرتکالیه هرموز» (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۸۲: ۶۰-۶۱/۹۵۹) و «ذکر فتح و تسخیر بلده هرموز که به سعی امام‌قلی‌خان بیگلربیگی فارس و عزراه انجم اساس وقوع یافت» (همان، ۹۸۲-۹۷۹) ارایه کرده است. از آنجایی که او از صاحب منصبان اداری صفویه بوده و دسترسی به اسناد و مدارک حکومتی داشته، گزارش او از فتح هرموز به احتمال در بردارنده دیدگاه‌های رسمی حکومت صفوی است.^۲

اما از جمله روایات ایرانی این حادثه که تاکنون معرفی و منتشر نشده اثر «زین‌العابدین بن روح‌الله خوزانی» به نام «افضل التواریخ» است که در دوران شاه صفی به نگارش درآمده است.^۳ او

۱. برای آگاهی بیشتر از این منظومه بنگرید به: جنگنامه کشم و جرون نامه، پیشین، صص ۱۹۸-۲۱

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: اسکندر بیگ ترکمان، عالم آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۳. عکسی از نسخه خطی افضل التواریخ موجود در کتابخانه دانشگاه کمبریج به شماره Dd.5.6 به همت جناب آقای فقیهی نژاد در اختیار اینجانب قرار گرفت که در واقع رویدادهای دوره سلطنت شاه عباس اول را شامل می‌شود. پیش از آن همکار محقق و فرزانه ام جناب آقای دکتر صفت گل بخش نخست این کتاب را کریمانه در اختیار من قرار داده بودند. نسخه در سال ۱۰۴۱ هجری قمری نوشته شده و در بخش پایانی آن فهرستی از نام علما و فضلا و حکما و شعرا و وزرا و ارباب فلم و

از جمله منشیان و مستوفیان عصر صفوی است و در بخشی از اثر خود با عناوین «رفتن امیر الامرای امام‌قلی خان به عزم تصرف ولایت قشم و به تصرف در آوردن ولایت مذکور و سوانح و حکایات» و «عزیمت امیرالامرای امام‌قلی خان به قصد تصرف هرموز و مفتوح شدن قلعه و توابع هرموز به سعی خان مشارالیه» به شرح فتوحات امام‌قلی خان و نبرد او با پرتغالی‌ها پرداخته است. اطلاعات او از این نبرد در مقایسه با آگاهی‌های «اسکندر بیگ» از تفصیل و دقت بیشتری برخوردار است و اسامی فرماندهان و جزئیات نبرد و نتایج آن با شرح مفصل‌تری ذکر شده است.

در هیچیک از مطالعات و تحقیقات چاپ شده داخلی و خارجی از این متن استفاده نشده و این روایت برای نخستین بار در این مقاله به چاپ می‌رسد؛ اهمیت چاپ این بخش از اثر «افضل التواریخ» به سبب انعکاس دیدگاه رسمی حکومت صفویان درباره این حادثه و ذکر جزئیاتی است که در دیگر منابع کمتر به آن توجه شده است و مهم‌تر اینکه این امکان برای دانشجویان و محققان فراهم شود تا بتوانند با مقایسه تطبیقی اطلاعات و گزارش‌های موجود از این حادثه به تحلیلی شایسته و متکی بر روایات گوناگون دست یابند، چه انعکاس حادثه «فتح هرموز» بویژه در زمینه انگیزه‌های همکاری ایران و انگلیس و سهم نیروهای طرفین در این نبرد با توجه به گرایش‌های مختلف راویان و منابع، بسیار متناقض و گاه کاملاً متفاوت بوده است. برای مثال دو منبع از روایات ایزانی از پیشگامی نماینده کمپانی هند شرقی و درخواست او از امام‌قلی خان برای عقد اتحاد نظامی با ایران یاد کرده‌اند.^۱

خوانین و سلاطین و... آمده است و پیش از فهرست این جمله به چشم می‌خورد که: درخاتمه افضل التواریخ که از این لب تشنه وادی سخن فضلی افضل ابن زین العابدین بن روح الله الاصفهانی الخوزانی بر صفحه روزگار باقی خواهد ماند و ...

۱. در این مورد در جگنامه قشم و جرون نامه ذکری از این اتحاد به میان نیامده است اما در عالم آرای عباسی آمده است: «جمعی از فرنگیه انگلیسیه از جانب انگلیس به درگاه خلایق پناه آمده اظهار صداقت و اخلاص و خدمتکاری نموده بنابر منازعه‌ای که میان ایشان و طبقه پرتکالیه واقع است و از فرق نصاری فی‌الجمله اختلاف با این طایفه دارند از خدمت اشرف متقبل و متعهد شده بودند که هر گاه اراده خاطر اشرف به تسخیر بلده هرموز متعلق گردد ایشان با عساگر نصرت نشان موافقت نموده ...» (اسکندر بیگ ترکمان، پیشین، ۹۸) خوزانی روایتی شبیه به این مضمون را نقل کرده است که نشانگر این واقعیت است که پیشنهاد اتحاد از طرف مأموران کمپانی هند شرقی به شاه عباس داده شده است.

اسکندر بیگ ترکمان و خوزانی هر دو با عباراتی صریح آورده‌اند که نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس به دلیل معارضه و جنگ با پرتغالی‌ها تقاضای همکاری و معاونت با نیروهای ایرانی علیه رقیب خود داشته و این در حالی است که منابع پرتغالی در این مورد سکوت کرده و فقط در روایت انگلیسی مونوکس آمده است که: «خان شیراز به وسیله یکی از صاحب منصبانش خواستار کمک نیروی دریایی ما علیه دشمن مشترکمان پرتغالی‌ها شد.» (Boxer, 1930: 255) و در واقع گزارش «مونوکس» تنها روایت منحصر از پیشگامی ایران در تقاضای همکاری با انگلیس است در حالی که دو گزارش رسمی ایرانی این خبر را به صراحت نفی کرده‌اند. با این همه محققان و مورخان انگلیسی از این «خبر واحد» به عنوان گزارش پذیرفته شده بهره‌برداری کرده و در همه نوشته‌های خود به صراحت از درخواست اولیه حکومتگران صفوی و عدم تمایل کارگزاران کمپانی از اتحاد با ایران یاد کرده‌اند. لوریمر در این مورد می‌نویسد: «در بیست و سوم دسامبر ۱۶۲۱ میلادی ناوگان انگلیسی به کوهستک نزدیکی ساحل میناب رسید ولی ایرانیانی که از آنها بر ضد هرموز یاری خواسته بودند آنان را از انجام هر گونه فعالیت تجاری در جاسک باز داشتند.» (Lorimer, 1915: 23) ویلسون دیگر مورخ رسمی کمپانی هند شرقی در این مورد می‌نویسد: «امام قلی‌خان که در آن ایام در میناب به سر می‌برد از صاحب‌منصبان انگلیسی تقاضا کرد که با وی در حمله به قشم و هرموز تشریک مساعی کنند و علاوه بر تشویقاتی که از ایشان به عمل آورد، آنها را تهدید نمود که هر گاه در این جنگ به ایرانی‌ها کمک نکنند امتیازاتی که سابقاً به آنها داده شده ملغی خواهد شد.» (Wilson, 1959: 56)

هر دو مورخ رسمی کمپانی هند شرقی بدون توجه به روایات پرتغالی و ایرانی از این حادثه، تحلیل‌های خود را ارایه کرده و حتی از تهدید و ارباب صاحب‌منصبان ایرانی علیه «مونوکس» نیز یاد کرده‌اند. تحلیل‌های این دو مورخ پس از آن در نوشته‌ها و تحقیقات مرتبط با این رویداد که توسط محققان و پژوهشگران ایرانی و عرب نوشته شد به طور کامل مورد پذیرش قرار گرفت و این واقعه که مبتنی بر یک «خبر واحد» بود از چنان موقعیتی برخوردار شد که به عنوان یکی از «مشهورات تاریخ» مورد پذیرش کامل قرار گرفته و در بسیاری از نوشته‌ها بارها و بارها تکرار شده است.

این واقعه یکی از صدها نمونه تأثیرپذیری از مورخان کمپانی هند شرقی و از جمله مواردی است که «تاریخ‌نگاری حوزه مطالعات خلیج فارس» به آن مبتلا شده است و لزوم بازنگری هر چه بیشتر و عمیق‌تر را در اطلاعات و تحقیقات مورخان کمپانی هند شرقی بویژه درباره خلیج فارس و حضور بیگانگان در آن امری ضروری می‌نماید. در راستای معرفی بخشی از تناقض‌ها، برداشت‌ها و تحلیل‌های نادرست شایع شده توسط مورخان کمپانی هند شرقی و با هدف آشنایی دانشجویان و محققان داخلی با «روایات ایرانی»، بخش‌هایی از نسخه خطی «افضل التواریخ» اثر «خوزانی» که تا کنون معرفی نشده در این قسمت به چاپ می‌رسد تا دریچه‌ای دیگر به تاریخ خلیج فارس و رویدادهای مرتبط با آن به روی پژوهشگران گشوده شود. امید که با انتشار این گونه روایات، جامعه علمی ایران بتواند در جهت ارزیابی تصویری واقعی از حوادث خلیج فارس مبتنی بر «دانش بومی تاریخ‌نگاری» گام‌های مؤثرتری را بردارد.

رفتن امیرالامرای [امیرالامرا] امام قلی خان بعزم [به عزم] تصرف ولایت قشم و بتصرف [به تصرف] آمدن ولایت مذکور و سوانح و حکایات

چون الکایی قشم در سرحد مینا [میناب] و منوجان که در این طرف آب شور دریایی [دریای] است واقع شده و در تصرف فرنگیان بود اگر چه سکنه آنجا را مذهب مشخصی نیست نهایتش چون بیعت اسلام می‌نمودند باحمدی [به احمدی] ایشان را می‌نامیدند و هر ساله سکنه آن ولایت مبلغی به علت حق‌الشرب آب شیرین که از شمیل و مینا [میناب] برراعات [به زراعات] ایشان جاری بود بوکلای [به وکلای] حاکم شمیل و مینا [میناب] می‌دادند درین ولاجماعت احمدی قرار مخالفت با حاکم شمیل که از جانب امام قلی خان بود داده در تسلیم وجه مذکور تساهل ورزیدند و التجا به کپتان فرنگ برده او را تحریک نمودند که قلعه در ولایت قشم ساخته جمعی را در آنجا مقرر داشت که حامی رعایای احمدی بوده آب شیرین را جاری سازد و بعلت [به علت] حق آب چیزی واصل سرکار حاکم نمودند و راه عصیان پیش گرفته تخلف می‌ورزیدند بخاطر [به خاطر] امام قلی خان بیگلریگی فارس و لار و کوه کیلویه و احواز [اهواز] و بلاد شاپور و مینا [میناب] و منوجان رسید که ولایت مذکور را بتصرف [به تصرف] خود و اطاعت دودمان خلافت مکان در آورد و حقیقت را مصحوب علی بیگ قراقایش بعرض [به عرض] حجاب درگاه گیتی

پناه رسانید بنوعی [به نوعی] که سابقا نوشته شد مقرر داشتند که جمعیت لشکر خود و فارس نموده بر سر قلعه و ولایت قشم رفته آن ولایت را بتصرف [به تصرف] دودمان در آورده در آهنگام محاصره قندهار چند روز قبل از آنکه آن ولایت [یک کلمه ناخوانا] رسید که بعد از رسیدن فرمان قضا جریان ملازمان خود را با چریک الوسات فارس که در خدمات بیگلیگی مقرر است که بحوالی [به حوالی] ولایات فارس هر طرف عزیمت لشکر واقع شود ایشان نیز جمعیت می نمایند مجتمع ساخته قرار تصرف ولایت قشم را پیش همت ساخته در ساعت فیروز تکیه بتوفیق [به توفیق] بی همال الهی نموده خیام نصرت انجام بیرون زدند و جمعی از ملازمان خود بسرکردگی شاه قلی بیگ مسوط مقرر داشتند که قاید لشکر اقبال اثر شده عزیمت آن ولایت کرده و خود متعاقب در حرکت آمده ولایت قشم را مضرب خیام فیروزی توأم ساختند شاه قلی بیگ قلعه مذکور را که در کنار دریای شور هست مانند نگین انگشتر احاطه نموده اطراف وجواب قلعه را بملازمان کاردان غازیان شیر شکار قسمت نموده در کندن سیبه و بلند کردن حواله ایشان گردانید. جماعت فرنگ که انواع محن را بر گرد خویش مشاهده نمودند استحکام قلعه داده در آداب قلعه داری قیام نمود کپتان تیمور [نام عمومی فرماندهان پرتغال] [Captain de mar] که حاکم و مطلق العنان آن ولایت بود فرنگیان را جمع ساخته چند توپ و تفنگ و قنباره [خمپاره] مانند قطرات باران بر اردو ریخت جوانان کار طلب پای ثبات فشرده در کندن سیبه قیام داشتند و هر شب جمعی کثیر از جانین کشته می گشت چون قزلباش آداب جنگ و حيله و مکر ایشان را ندیده بودند فراغت بر خود حرام ساخته کمر سعی بر بستند و بمحاصره [به محاصره] قیام نمودند چون خواست الهی در آن بود که ولایت هرموز که چندین سال مسکن و مقام فرنگیان بود از کلمه طیبه اسلام زیب زینت یابد جمعی از برشه انگریز [انگلیس] که از رای [راه] آب همیشه متردد بودند و در آن وقت نیز بقانون [به قانون] هر ساله از حوالی قلعه قشم آمده میگذشتند و مبلغی از سر کار خاصه شریفه ابریشم بصیغه [به صیغه] مساعدت و تحویل گرفته بودند که بفرنگ [به فرنگ] برده در عوض سقرلاط [نوعی پارچه نفیس] و اشرفی و نفایس از آن ملک آوردند و چندی نیز از ایشان شرف ملازمت حضرت اعلی در صفاهان یافته قول داده بعنایت [به عنایت] شاهانه مخصوص بودند وجه میعی سرکار خاصه شریفه را در عوض نفایس فرنگ آورده اراده صفاهان داشتند که برده تسلیم

محب علی بیک له‌له نمایند جماعت مذکور که همیشه با ایشان در مقام عداوت‌اند و فرنگ را هرگز قوت مقاومت انگریز [انگلیس] نبوده اطاعت ایشان مینمودند در گرفتن قلعه اصرار نموده کس نزد امام قلیخان فرستادند که اگر خدمت این غلامان در ملازمت خانی مستحسن و مقبول افتد و بعرض [به عرض] حضرت اعلی رسانیده ارقام استمالت جبهه [جهت] ما آورند که مستظهر به شفقت شاهانه بوده باشیم در گرفتن قلعه قشم و تنبیه ایشان باقصی الغایت خواهیم کوشید امام قلیخان نیز میر ابوالحسن فراهانی را که در سلک ملازمان خان بود و سوای صحبت شعر و استعداد ظاهری مشارالیه را دخیل تمام در امور ملکی و مالی بود نزد ایشان فرستاده مشمول عواطف خسروانه ساختند که هرگاه ایشان این قسم اخلاص و بندگی بظهور [به ظهور] رسانیده نهایت سعی نمایند حقیقت را بعرض [به عرض] عالی رسانیده مستمال خواهیم ساخت جماعت انگریز [انگلیس] برشهای [برشه‌های] خود را بدور [به دور] قلعه قشم آورده آغاز قلعه گیری نمودند و برشه عبارت از کشتیست که بزرگتر از آن کشتی نیست و از بیست توپ پرواندار و بعد از آنکه آغاز محاصره شد اهل قلعه حيله نموده از روی آب شب آتش در یکی از آن برشها [برشه‌ها] زدند بغیر [به غیر] از اموال و جهات هشت هزار و هفصد [هفتصد] من مفرق [مفرغ] از توپ و یک کلمه ناخوانا [آنکه قریب هفصد [هفتصد] عدد توپ که در کنار کشتی بود که بعد از سوختن کشتی در میان آب افتاده بود سوخته آب شد و سه روز متمادی آن برشه در روی آب میسوخت اما به نیروی اقبال شاهی انگریز [انگلیس] از روی آب و غازیان شیرشکار از خشکی نهایت سعی بعمل [به عمل] آورده کار بر محصوران تنگ ساختند و فرنگیان کسی نزد خان فرستاده امان خواستند چون فرستاده تیمور کپتان از روی عجز بخدمت نواب عالی آمد توجهات بسیار باو [به او] نموده از روی استمالت او را روانه ساخته امان دادند فرنگیان نیز قرار ملازمت خانی با خود داده حسب الامر مقرر شد که جوانان رزمجوی دست از قلعه گیری باز داشته متعرض بایشان [به ایشان] نگردند که قلعه قشم را تسلیم خواهند نمود جماعت انگریز [انگلیس] نیز بموجب [به موجب] فرموده خان دست از مدافعه باز داشته منتظر بیرون آمدن کپتان بودند که ظاهر شد که مشارالیه قلعه را انداخته از روی آب خود را به مسکت [مسقط] رسانید متحصنان قلعه را بتصرف [به تصرف] داده جمعی را که مایه فتنه و آشوب بودند مقید گردانیده فقرا و عجزه را به استمالت ساختند و مقرر داشتند که قلعه را

و حصار قرار گرفتند و قلعه هرموز بنوعی [به نوعی] از سنگ خام ساخته شده که بهیچ [به هیچ] عنوان جنگال [جنگال] مرغ خیال به کنگره آن نمیرسد و تخت [تخته] سنگی از دیوار قلعه تعبیه نموده و پنج سکنه از اندرون به آن قرار داده بودند که آن تخت [تخته] سنگ را پیچیده بالا می کشیدند و دهنه توپی را در آن مکان گذاشته بودند که احیانا کسی اگر غافل از آن مکان میگذاشت انداخته است و آدم را میزدند بعد از آنکه جمعی از مردم ممثلی [ممسنی] بآن [به آن] طرف رفته جای رفتند [گرفتند] امام قلی بیگ مقرر داشت که جوانان قزلباش سنگ و خاک و چوب مصالح عمارات خراب را بیای [به پای] قلعه کشیده خندق را پر سازند تا ممر عبوری بهمرسد [به هم رسد] غازیان نصرت قرین اعالی و اسافل که در آن اردو شهر بودند مجموع جمعیت نموده هر کدام بقدر [به قدر] اوسع اجزای منجمده که این امر را بکار [به کار] آید حمل دواب و دوش خود نموده متوجه خندق گردیدند از بالای قلعه چون مشاهده این جرأت و دلیری نمودند آغاز توپ و تفنگ انداختن کرده همچو بلای ناگهان گلوگیر جوانان دلیر خود را بکنار [به کنار] خندق متعاقب یکدیگر کاردان شجاع می کشتند تا آنکه سوندوک بیگ چگنی ملازم خانی جوانان دلیر خود را بکنار [به کنار] خندق متعاقب یکدیگر رسانیده مصالح را بخندق [به خندق] ریخته جمعی بضر [به ضرب] تفنگ محصولات شربت فنا چشیده برخی بقوت [به قوت] شناوری بر آب خندق زده عبور نمودند و باعث قوت جماعت ممثلی [ممسنی] گشته خندق را مملو ساخته راه تردد مفتوح گشت امام قلی بیگ نیز خود گذشته یک طرف قلعه را که بجانب [به جانب] شهر بود بر جوانان دلیر قسمت نموده شروع در حفر سیه نموده و جمعی کثیر هر روز از تردد شهر بخندق [به خندق] در حصن آوردن مصالح قلعه گیری کشته می شدند هفصد [هفتصد] نفر جوان خوب بهمه [به همه] جهت از آنکه در سلک سپاهی و ملازم خان بود در آن جنگ کشته شد بعد از چند روزی که حفر سیه نموده بزیر [به زیر] برج کلان که در طرف آب بود رسانیدند و از اطراف نیز بروج و حصار مشرف بر انهدام گشت باروت بسیاری که در آن شهر بود انگریزان [انگلیسیان] در برشهای [برشه‌های] خود همراه داشتند و امام قلیخان نیز جهه [جهت] تصرف قلعه فرستاده بود در زیر بروج مجوف ریخته یکبار آتش زدند و تمامی آن برجها بیکمرتبه [به یکمرتبه] ریخته راه تردد قزلباش بقلعه [به قلعه] مفتوح شد فرنگیان دیگر باب قلعه داری و علاج انسداد

شوارع نمانده نزد خان فرستاده استدعا نمودند که دوازده کشتی ایشان را در راه ائمه هدی که صوفی آن سلسله‌اند و در ترویج شریعت ایشان جهاد میکنند رخصت دهند که از آدم و اسباب مملو ساخته بطرف [به طرف] دریا روانه شوند باقی تعلق بایشان [به ایشان] داشته آنچه خواهند نباشد و حاکم شهر هرموز که مسلمان بود در ملک فرنگان درآمده بعد از جنگ مردانه حلقه اطاعت در گوش کشیده در خدمت خان کمال اعتبار یافت و مسلمانان آن ولایت مستدعی تقصیرات سکنه قلعه گردیده بعرض [به عرض] خان رسانیدند از آنجا که مرحمت و شفقت نسبت بعموم [به عموم] خلق الله از دودمان خلافت مکان بمنصه [به منصفه] ظهوری پیوند و تقصیرات و جرایم ایشانرا [ایشان را] بذیل [به ذیل] عاطفت پوشیده حکم استمالت بقلعه [به قلعه] فرستادند که چند کشتی که استدعا نموده‌اند پر ساخته هر چه توانند و خواهند بدر [به در] برده کسی را مانع و مزاحمتی نباشند و چند روز دست از جنگ باز داشته منتظر عزیمت ایشان بودند فرنگیان که دیگر توقف در قلعه نمیتوانستند نمود اسباب و اموال و اطفال خود را برداشته با کشتی رفتند و جمعی که در قلعه بودند قدرت رفتن نداشتند سر اطاعت بر بقیه [به بقیه] خدمت درآورده دروب قلعه را مفتوح ساختند امیرالامرای امام قلیخان حقیقت را بعرض [به عرض] حضرت اعلی رسانید بعد از استماع این خبر مسرت اثر عتبه گردون اساس اعلیحضرت شاهی را اصاف بهجت روی داده شادمانی نمودند و اعلیحضرت شاهی پروانه استمالت مشحون بعنایات [به عنایات] بی‌اندازه با خلعات [یک کلمه ناخوانا] و اسب و یراق مرصع با شمشیر جبه [جهت] امام قلیخان فرستاده سفارش جمعی از ملازمان روشناس خان که در آن خدمت ولا سعی بلیغ نموده بودند کرده جماعت انگریز [انگلیس] را بعنایات [به عنایات] شاهانه نواختند و جمعی از ایشان استدعا توطن قلعه هرموز نموده بودند درجه قبول یافت مقرر داشتند که چند کس از جماعت انگریز [انگلیس] که میل توطن آنجا داشته باشد امیرالامرای در مراقبت خاطر ایشان کوشیده آنچه کشتی و بر شر [برشه] ایشان تردد بر روی دریا نماید معاف داشته جمعی رانیز جبه [جهت] خدمت قلعه داری موجب قرار داده در سلک بندگان شاق درآورده و خلعات جبه [جهت] ایشان فرستاده ریش سفیدان انگریز [انگلیس] راه بدر گاه [به در گاه] معلی طلبداشتند [طلب داشت].

منابع و مآخذ

- اباحسین علی، (۱۹۹۸) «الجهاد العربی الاسلامی ضد الغزاه البرتغالیین»، مجله الوثیقه، البحرین، مرکز الوثائق التاریخیه، ع ۳۳.
- اسکندر بیگ ترکمان، (۱۳۷۷) *عالم آرای عباسی*، زیر نظر ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۲۶) «قسمتی از ماجرای خلیج فارس»، مجله یادگار، شماره ۴، سال چهارم.
- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۲۸) *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*، تهران، چاپخانه مجلس.
- جرزون نامه و جنگنامه کشم، (۱۳۸۴) *تصحیح و تحشیه محمد باقر وثوقیو عبدالرسول خیراندیش*، تهران، نشر میراث مکتوب.
- حفظل، فالج، (۱۹۹۷) *العرب و البرتغال فی التاریخ*، ابوظبی، منشورات المجمع الثقافی.
- دلاواله، پیتر، (۱۳۸۰) *سفرنامه*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، نشر قطره.
- صلاح، (۱۹۵۲) *الاستعمار فی الخلیج الفارسی*، مکتبه النجلو المصریه، القاہره.
- الصیرفی، نوال حمزه، (۱۹۸۳) *النفوذ البرتغالی فی الخلیج القرآن السادس عشر*، الرياض، مطبوعات دارالملک عبدالعزیز.
- العقاد، صلاح، (۱۹۵۲) *الاستعمار فی الخلیج الفارسی*، مکتبه الانجلو المصریه، القاہره.
- عقیل، مصطفی، (۱۹۹۴) *التنافس فی الدولی فی الخلیج*، الدوحه، قطر، موسسه العهد للصحافه و الطباعه و النشر.
- العیدروس، محمد حسن، (۱۹۹۸) «عوامل سقوط الحکم البرتغالی فی الخلیج»، مجله الوثیقه، البحرین، مرکز الوثائق التاریخیه، العدد ۴.
- فلسفی، نصرالله، (۱۳۴۲) *سیاست خارجی ایران در عصر صفویه*، تهران، سازمان کتاب های جیبی.
- فیگوئروا، (۱۳۶۳) *سفرنامه*، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، نشر نو.
- قائم مقامی، جهانگیر، (۱۳۶۹) «مساله هرموز در روابط ایران و پرتغال»، مجموعه مقالات نخستین همایش خلیج فارس، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

محمد حسن، (۱۹۹۸) «عوامل سقوط الحکم البرتغالی فی الخلیج»، *مجله الوثیقه، البحرین، مرکز الوثایق التاریخیه، العدد ۴.*

مصطفی، (۱۹۹۴) *التنافس فی الدولی فی الخلیج، الدوحه، قطر، موسسه العهد للصحافه و الطباعه و النشر.*

Al-qasimi, Sultan Mohammad, (1988) *The myth of Arab piracy in the Gulf*, Routledge.

Aubin, Jean, (1973) "Le royaume d'ormuz au debut XVI siecle", *Mare Luso-Indicum II.*

Boxer, C. R., (1930) *Commentaries of Ruy Freyre de Andrada*, London.

Boxer, C. R. (1935) "Anglo-Portuguese rivalry in the Persian Gulf", in *E. Prestage ed. Chapters in Anglo-portuguese Relations*, Watford.

Floor, Willem, (2006) *The Persian Gulf (A Political and Economic history of five cities)*, Mage, USA.

Garcia, Jose Manuel, (1995), *The Persian Gulf in 16th-17th centuries*, Tehran, Center of Documents and Diplomatic History.

Loriemer, J.G, (1915), *Gazetteer of the Persian Gulf*, Calcutta.

Matthee, Rudi, (1999), *The Politics of trade in safavid Iran*, Cambridge.

Miles, S.B. (1969), *The countries and tribes of the Persian Gulf*, London.

Serjeant.R.B. (1963), *The Portuguese of the Southern Arabian Coast*, Oxford.

Subrahmanyam, sanjay, (1993), *The Portuguese Empire in Asia, 1500-1700*, Longman, Newyork.

Sousa, Manuel de Faria, (1666), *Asia Portuguese*, 3 Toms, Lisbon.

Sousa, Manuel de Faria, (1695), *The Portuguese Asia*, 3Vols. Tr.John Stevenes, London.

Steensgaard, Niles, (1974), *The Asian trade revolution of the seventeenth century*, Chicago University.

Steensgaard, Niles, (1973), *Carraks, Caravans and companies*, Copenhagen.